

## درس دوم: ریشه و شاخه های فلسفه

\*\* درس در یک نگاه \*\*

| مفاهیم   | توضیحات   |
|--|---|
| بخش اصلی فلسفه                                     | این بخش درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. شامل دویبخش: ۱- هستی شناسی ۲- معرفت شناسی  |
| هستی شناسی   | درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.   |
| معرفت شناسی  | توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد.   |
| بخشهای فرعی فلسفه                                  | بخشهای فرعی فلسفه درحکم شاخه ها و ستونهای آنند. شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانشهای فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.   |
| نحوه پیدایش شاخه های فلسفه                         | با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد  |
| رابطه میان علوم وفلسفه های مضاف                    | مبانی و زیربنای علوم در فلسفه بررسی می شوند و گاهی به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می کنند، فلسفه مضاف آن علم گفته می شود. آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد  |
| دیدگاه اصالت فرد                                   | فیلسوفان پیرو اصالت فرد جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند.  |
| اصالت جامعه  | اینان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است  |
| تأثیر اعتقاد به اصالت فرد یا جامعه بر جامعه شناسان | تأثیر زیادی در شیوه بررسی مسائل اجتماعی توسط جامعه شناسان دارد. معتقدین به اصالت فرد، همواره منافع افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی ها، بیشتر به منافع فرد توجه دارند و در سیاست نیز معتقد به <b>لیبرالیسم</b> هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. معتقدین به اصالت جامعه، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سوی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند و در سیاست نیز به <b>سوسیالیسم</b> اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است. |
| دیدگاه اصالت فرد و جامعه، توأمان                   | هم افراد اصالت دارند و هم جامعه. گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچگاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه را دارند. جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگیها و ساختار جامعه قرار دهد.   |
| نقش فیلسوفان در علوم تربیتی                        | فیلسوفان دیدگاه هایی در فلسفه دارند که همان دیدگاه ها سبب پیدایش مکاتب بزرگ تربیتی شده است.   |